



## اهداف مجازات ها در جرایم جنسی (چشم اندازی اسلامی)

«آیا مقررات کیفری اسلام، مجموعه ای به هم پیوسته و هدف دار است که در جرم انگاری، تعیین نوع و میزان مجازات ها، شیوه رسیدگی به جرایم و سرانجام اجرای مجازات ها، دستیابی به همان هدف را پیگیری می کند؟ یا...»

#171& آیا مقررات کیفری اسلام، مجموعه ای به هم پیوسته و هدف دار است که در جرم انگاری، تعیین نوع و میزان مجازات ها، شیوه رسیدگی به جرایم و سرانجام اجرای مجازات ها، دستیابی به همان هدف را پیگیری می کند؟ یا...

شبکه اجتهاد؛ #171& آیا مقررات کیفری اسلام، مجموعه ای به هم پیوسته و هدف دار است که در جرم انگاری، تعیین نوع و میزان مجازات ها، شیوه رسیدگی به جرایم و سرانجام اجرای مجازات ها، دستیابی به همان هدف را پیگیری می کند، یا آن که مقررات یاد شده، مجموعه ای از احکام پراکنده و بی ارتباط با یکدیگر است؟

آیا مقررات کیفری اسلام در کنار توجه به سعادت اخروی انسان، دارای اغراض و اهداف دنیوی نیز هست؟ اگر چنین است، آیا این اغراض و مصلحت ها، فهمیدنی است یا خیر؟ در صورت نخست، با چه شیوه ای می توان به این غرض ها و مصلحت ها پی برد؟ آیا مجازات هایی که در مقررات کیفری اسلام برای جرایم گوناگون پیش بینی شده، موضوعیت دارد و در هر حال باید اجرا شود، یا آن که واکنش هایی است متناسب با فرهنگ صدر اسلام که برای دستیابی به هدف و اهداف معین، تشریح شده است؟ اگر چنین است هر گاه این اهداف با اجرای مجازات ها، تحقق نیافت، چه باید کرد؟

آیا خوشایند و بدآیند افکار عمومی بر تغییر احکام کیفری یا اجرای مجازات ها، اثر می گذارد؟ مثلاً هر گاه افکار عمومی غیر مسلمانان، یا حتی افکار عمومی جامعه اسلامی، تاب تحمل اجرای کیفر 'رجم' را نداشته باشد، آیا می توان از اجرای آن، چشم پوشی کرد؟ آیا در اجرای احکام شریعت، همچون اصل جعل، مصالحی وجود دارد که باید به آن ها توجه شود؟

در فرض تزاحم چنین مصلحت هایی با مصلحت ناشی از اجرای مجازات ها، آیا قواعد باب تزاحم، معیار حل و فصل خواهد بود؟ با این که اسلام، حساسیتی ویژه به جرایم جنسی دارد، چرا در اثبات این جرایم به گونه ای سخت گیرانه، برخورد کرده است که اثبات آن ها تقریباً ناممکن است؟ به دیگر سخن، 'جرم' به معنای رایج در حقوق عرفی، پدیده ای است که قوای عمومی حاکم، همه امکانات خود را برای شناسایی و اثبات آن به کار می گیرند؛ اما چرا شارع مقدس اسلام، در جرایم جنسی بر پوشاندن آن ها اصرار می ورزد نه اثباتشان؟ تأکید معصومان بر تشویق مرتکبان جرایم جنسی به توبه، و حتی آموزش توبه به آنان، چگونه قابل ارزیابی است؟ پاسخ این پرسش ها و مطالبی بیش از این ها را در کتاب اهداف مجازات ها در جرایم جنسی (چشم اندازی اسلامی) می توان خواند؛ اهداف مجازات ها در جرایم جنسی عنوان اثری است که پژوهشگر فقه و حقوق وابسته به پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، در راستای سیاست های کلان خود مبنی بر پاسخ دهی عالمان و بر آمده از مطالعات روشمند به پرسش های فقهی و حقوقی نوپیدا، منتشر کرده است.

نویسنده این اثر، دکتر رحیم نوبهار، این تحقیق را در یک مقدمه و پنج فصل به سامان رسانده است؛ فصل های کتاب عبارتند از:

فصل اول: اهداف مجازات های اسلامی؛

فصل دوم: اهداف مجازات ها در جرایم جنسی مستوجب حد؛

فصل سوم: اهداف مجازات ها در جرایم جنسی تعزیری؛

فصل چهارم: اهداف مجازات ها در جرایم جنسی مضر به عفت عمومی؛

فصل پنجم: اجرای حدود در صورت تزاحم.

نویسنده کتاب در مقدمه، ضمن پرداختن به مفاهیم اصلی به کار رفته در پژوهش، به اهمیت و فواید تحقیق در زمینه جرایم جنسی و اهداف مجازات ها، اشاره می کند.

فصل اول کتاب، نخست راه های پی بردن به اهداف مجازات ها را بررسی می کند؛ این شیوه ها عبارتند از مجموعه ای از روش های اجتهادی متعارف، مانند برداشت از ظاهر یا صریح الفاظ متون یا استناد به تعلیل ها یا حکمت هایی که گاه برای پاره ای از احکام کیفری، ذکر شده است؛ به اضافه آنچه از تحلیل قواعد و مقررات فقه کیفری، به ویژه احکام مجازات ها، به دست می آید.

آن گاه با تکیه بر همین روش ها، تلاش شده است تا برای اهداف مجازات های اسلامی، چهارچوبی ترسیم شود.

برخی راه های مهم پی بردن به اهداف مجازات ها را می توان این گونه برشمرد:

1. شناخت اهداف کلی اسلام

شناخت اهداف کلی و کلان هر نظام حقوقی، ما را در شناسایی اهداف مجازات ها در نظام، کمک می کند. معمولاً در نظام حقوقی حکیمانه، اجزا و بخش های گوناگون، مکمل یکدیگرند و همگی بر آوردن هدف یا اهدافی معین را دنبال می کنند. پس شناخت مقاصد کلی آیین، مکتب یا نظام حقوقی، در شناخت اهداف مجازات ها مؤثر است.

2. استنباط از نص و ظاهر متون

تصریح قانون گذار به اهداف خود، در متن قانون یا مقدمه آن، از راه های بی ابهامی است که اهداف او را روشن می نماید.

3. مطالعه تاریخ مجازات ها

4. نوع مجازات ها و شیوه اجرای آن ها

مطالعه در نوع مجازات ها و شیوه اجرای آن ها نیز می تواند به سهم خود، اهداف مجازات ها را روشن سازد. مثلاً مجازات های سخت و آزار دهنده که رنج فراوانی را بر بزهکار وارد می سازد، با اهداف بازدارندگی عمومی و خصوصی یا حتی با هدف انتقام، سازگارتر است؛ حال آن که تأکید بر مجازات های سالب آزادی، همچون حبس، در برخی موارد با هدف 'اصلاح بزهکار'، سازگار است.

اهداف مجازات ها، شیوه اجرای آن ها را تعیین می کند؛ اما چون فرض بر این است که اهداف مجازات ها در شیوه اجرای آن ها تبلور می یابد، شیوه اجرای مجازات ها نیز می تواند نشان دهنده اهداف آن ها باشد.

5. تشدید مجازات ها

دقت در فرایند تشدید کیفر، در فرض تکرار و تعدد جرم، نیز به سهم خود می تواند ما را در فهم اهداف مجازات ها، کمک کند.

در فصل دوم، نویسنده با این اعتقاد که #171؛ تفکیک بررسی اهداف مجازات ها در جرایم جنسی مستوجب حد، از جرایم جنسی مستوجب تعزیر، لازم است؛ فقط به اهداف مجازات ها در جرایم جنسی مستوجب حد می پردازد.

در قلمرو جرایم جنسی، سه جرم زنا، لواط و مساحقه، از جرایم مستوجب حد به شمار آمده است؛ که برای پی بردن اهداف مجازات ها در این جرایم، نخست باید رویکرد کلی شرع به این جرایم و به ویژه کیفرهای پیش بینی شده برای آن ها را مرور کرد. در وهله بعدی، با مرور ادله اثبات قضایی، با حساسیت های شارع در جرم انگاری این جرایم، آشنا می شویم. با این رویکرد، فصل دوم در دو گفتار، 'کیفر جرایم جنسی موجب حد' و 'ادله اثبات قضایی آن ها' به انجام می رسد.

فصل سوم با عنوان 'اهداف مجازات ها در جرایم جنسی تعزیری'، در سه مبحث، به سامان می رسد.

در تعزیرات، در همه جا یا اکثر جاها، اصولاً نوع و میزان مجازات ها مشخص نشده است؛ پس نمی توان از رهگذر نوع مجازات ها، به اهداف شارع پی برد، بلکه باید بسته به هدفی که از اجرای کیفر، مورد انتظار است، نوع و میزان آن ها را تعیین کرد.

در تعیین سیاهه انحرافات جنسی مستوجب تعزیر، اولویت را باید به مواردی داد که متضمن صدمه به افراد باشد. در این گونه موارد، همه فرایندهای کیفری باید به گونه ای طراحی شوند که حقوق زیان دیده از جرم، تضییع نشود. درباره خطاهای اخلاقی صرف، که متضمن صدمه به دیگران نیستند، اصل بر عدم مداخله کیفری است. با این حال، اگر مواردی یافت شود که اخلاق به حمایت کیفری، نیازمند شود و اولویت اجتماعی نیز جرم انگاری را ایجاب نماید، در مقام سزادهی، اصلی ترین هدف باید اصلاح مرتکب و در واقع، رها ساختن وی از ضعف شخصیتی و اخلاقی باشد. مجازات در این حوزه، باید حامل درس عبرتی برای بزهکار و تنبّه او و دیگران به اهمیت ارزش های اخلاقی باشد. گرچه کیفر در موارد مقتضی، وسیله مناسبی برای توجه و هشجاری بزهکار است، هنر دستگاه عدالت کیفری این است که چگونه با بهره گیری از این زمینه، پیام جامعه مبنی بر لزوم پابندی به ارزش های اجتماعی را به گوش جان بزهکار برساند؛ و تعلیم این درس، شکل واحدی ندارد و از جامعه ای به جامعه دیگر، متفاوت است.

در فصل چهارم، از 'اهداف مجازات ها در جرایم جنسی مضر به عفت عمومی'، سخن گفته می شود.

اعمال منافی عفت، گاه صرفاً خطایی اخلاقی است که با عفت عمومی جامعه ارتباطی ندارد؛ اما گاه تعرض به عفت عمومی جامعه، حساب می شود. قوانین بسیاری از کشورها، حتی کشورهایی که دامنه آزادی جنسی را گسترش داده اند، رفتارهای مضر به حریم عفت عمومی را جرم، تلقی کرده اند.

برای تبیین اهداف اسلامی از مجازات ها در این دسته از جرایم، باید روشن نماییم که واکنش کیفری در برابر اعمال مضر به عفت عمومی، در قالب حدود است یا تعزیرات. برای پاسخ به این پرسش، نخست با مروری کوتاه بر دیدگاه اسلام درباره اهمیت عفت عمومی و قبح اشاعه فحشا و بی بند و باری های جنسی، به بررسی عناوین کیفری مستوجب حد می پردازیم که ادعا شده است بر مصادیقی از نقض عفت عمومی، قابل انطباق است (مبحث اول). آن گاه با تکیه بر نتایج به دست آمده، به تبیین اهداف مجازات ها در جرایم مضر به عفت عمومی خواهیم پرداخت (مبحث دوم).

نوبهار معتقد است که: #171؛ هر چند کیفرهای پیش بینی شده، باید کارایی لازم را برای ناتوان سازی بزهکاران داشته باشد و از بازدارندگی خصوصی و عمومی برخوردار باشند؛ ولی با این حال، اصل میانه روی در به کارگیری کیفر را نباید از نظر، دور داشت. تشدید مجازات ها، داروی همه دردها نیست. کیفرگرایی نامتعادل، خاصیت طبیعی و سودمند کیفر را هم از آن می ستاند.

فصل پنجم از اجرای حدود در صورت تزاحم، صحبت می کند؛ توضیح آن که عنصر مصلحت در کیفرهای تعزیری هم در اصل جرم انگاری و هم در چند و چون مجازات ها، نقشی مهم ایفا می کند، ولی گاه اجرای مجازات ها که ناگزیر برای دستیابی به مصلحت و دفع مفسده است، خود، با مصلحت یا مفسده دیگر تزاحم پیدا می کند. در چنین فرضی، چه باید کرد؟ فصل پنجم، عهده دار پاسخ به این پرسش مهم است.

در این فصل، در مبحث سوم ذیل عنوان 'تزاحم اجرای حدود با مفاصد جانبی'، به مفسده تنفیر از دین، اشاره شده و به طور مفصل به 'قاعده فقهی تنفیر از دین' پرداخته می شود.

'حرمت تنفیر از دین' به عنوان قاعده ای مستقل، بررسی نشده است؛ اما استناد فقیهان به مضمون آن، نشان می دهد که مفاد آن، همچون قاعده ای عقلی یا آمیخته از عقل و نقل، مورد پذیرش آنان بوده است.

بحث درباره قاعده حرمت تنفیر از دین، از این نقطه آغاز می شود که هر گاه اجرای حکمی از احکام شریعت، مایه دین گریزی بخش قابل توجهی از مردم شود، آیا دین همچنان بر اجرای آن بخش از احکام شریعت، اصرار می ورزد، یا آن که تا فراهم شدن زمینه فکری و فرهنگی لازم، از اصرار بر اجرای آن، خودداری می کند؟ به دیگر سخن، آیا بدآیند افکار عمومی از احکام شریعت، می تواند در اجرای

آن‌ها اثرگذار باشد؟

مفاد قاعده حرمت تنفیر از دین را می‌توان این‌گونه بیان کرد: [#171](#); انجام دادن هر عملی که موجب بی‌زاری و نفرت مردم از دین می‌شود، حرام است. حتی اگر عمل به حکم الزامی شرعی هم موجب گریزان شدن مردم از دین شود، باید از عمل به آن، خوداری کرد؛ جز در احکامی که شارع مقدس در هیچ حال، راضی به ترک آن‌ها نیست. [&raquo](#)؛ رهیافت‌های حاصل از بررسی اهداف مجازات‌های اسلامی در جرایم جنسی و نیز پیشنهادهایی در این باره، حسن ختام پژوهش دکتر نوبهار است.

منبع: پایگاه دیننا